

توسعه پایدار شهری و حقوق شهروندی

آرش قاسمی^۱، محمد کشاورز مسلمان شیرازی^۲، رضا لک^۳، محمدرضا اشرف منصوری^۴

باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران.
باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران.
باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران.
باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران.

ar_inlaw20@yahoo.com

چکیده

از قرن بیستم به بعد، جامعه شهری، به تعریف مدرنی از انسان و جهان پرداخت. طی این سال ها، انسان به عنوان موجود ذیحقی شناخته شده که توانایی اداره امور اجتماعی را دارد. به نظر می آید که شکل گیری توسعه پایدار شهری (توسعه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) مستلزم شناخت کامل از حقوق شهروندی است. که حقوق شهروندی دارای حوزه های مدنی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می باشد که مشارکت همه این حوزه ها است.

در فیزیک مفهومی توسعه پایدار شهری، امر پایداری را می توان در حوزه های گوناگونی مشاهده نمود: پایداری در شکل گیری محله، خط و مشی های توسعه و اجرای برنامه های توسعه شهری که می توان گفت این حوزه ها در حقوق شهروندی ارکان هستند. می توان اذعان داشت که ریشه توسعه پایدار شهری با توسعه ناموزون شهری، ساختاری است و در راستای توسعه بایستی علت انسانی را در عدم تحقق حقوق شهروندی جستجو نمود. که حق شهروندان می باشد که در توسعه پایدار شهری خود از حقوق شهروندی یکسانی برخوردار گردند. بر این اساس لازم است. مکانیسم های توسعه پایدار شهری برای نیل به حقوق شهروندی ارائه کنیم. ضمن اینکه شکل گیری فرهنگ سیاسی موافق با دموکراسی و حقوق شهروندی از رهگذر گفتگوی شهری امکان پذیر می گردد که در این مقاله چگونگی این موارد را مورد بررسی قرار گرفته شده است.

کلمات کلیدی: توسعه پایدار شهری، حقوق و شهروند

مقدمه

دوران جدید توسعه شهرها، با پدیده بهبود شاخص های بهداشتی و زندگی و شتاب یافتن رشد جمعیت در سراسر جهان همراه بوده است؛ به گونه ای که شهرها در حال تبدیل شدن به محل اصلی زندگی بشر می باشند. در سال ۲۰۰۷ برای نخستین بار در تاریخ توسعه شهری بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها ساکن شد (Martinez, 2008). رشد شهری و زندگی در شهر تجربه جدیدی برای جوامع انسانی است؛ زیرا تا قرن بیستم، زندگی شهری تنها ۱٪

تاریخ پیدایش شهر را در بر می گرفت (مجموعه مدیریت شهری، ۱۳۹۳).

از جمله مباحث مهم در حوزه مطالعات اجتماعی، سیاسی و تربیتی، مفهوم شهروندی است. این مفهوم، ریشه در گستره تاریخ دارد و همواره مورد توجه متفکران بوده است. با توجه به اهمیت شهروندی در دوران معاصر، متفکران متعددی به بحث و بررسی پیرامون این مفهوم پرداخته اند. اصطلاح شهروند (Citizen)، از شهر (Cite) می آید و سितه از واژه لاتین سیویتاس (Civitas)، مشتق شده است. سیویتاس در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه پلیس (polis) در زبان یونانی است که همان شهر است و تنها مجتمعی از ساکنان نیست بلکه واحدهای سیاسی و مستقل به شمار می آید (پولو، ۱۳۷۰). شهروند و شهروندی تا حد زیادی وابسته به شرایط خاص کشور و جامعه است و هر فرهنگی نیز شهروند ویژه خود را می طلبد. شهروند، فردی است که در یک دولت- ملت زندگی می کند؛ از حقوق و مزایایی برخوردار است و مسئولیت هایی همچون وفاداری نسبت به دولت را بر عهده دارد (banks, 2008).

حقوق شهروندی، امری بدیهی است و باید از حقوق شهروندان دفاع کرد؛ اما در عین حال می بایست به واقعیت های اجتماعی جامعه نگریست و متوجه بود که هنوز افراد جامعه نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی ندارند و در بخش هایی از جامعه، این احساس وجود دارد که افراد بیشتر از آنچه استحقاق دارند، مکلف شده اند، هرگاه که از حقوق شهروندی در جامعه سخن رانده می شود، به معنای رعایت آن نیست و باید رعایت این حقوق از طرف افراد جامعه بخصوص مسئولان آن رعایت شود. برای رسیدن به این هدف، تاکید برای شناخت، اجرا و رعایت حقوق شهروندی، باید به صورت یک فرهنگ در آید (رستمی، ۱۳۹۲، ۱۴۲).

هدف از ایجاد این تحقیق، سنجش توسعه پایدار شهری در تحقق و دستیابی به حقوق شهروندی در ابعاد گوناگون آن و همچنین سنجش موضوعات، شیوه ها و روش های صحیح برای توسعه پایدار شهری و نیز شناسایی پرامترهای مهم و موثر بر میزان آشنایی با حقوق شهروندی می باشد.